

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی  
حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

## به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

**دلیل منع از تدوین سنت**  
**انحصار طلبی علمی و ایجاد بدعت**

۸ فرورداد ۱۳۸۷

۲۲ جمادی الاول ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

### مروری بر گذشته؛

یکی از ادعاهای اهل سنت، تحت عنوان عدالت تمامی صحابه، محور بحث جلسات متعددی قرار گرفت. تا کنون تمامی آیات و مهمترین روایات مورد استدلال آنان را نقد کرده و به این نتیجه رسیدیم که هیچ یک از ادله توان اثبات مدعا را ندارد. بررسی نظریه عدالت صحابه در جلسه گذشته با افشای یکی از توطئه‌های بسیار خطرناک برخی از بزرگان صحابه پی‌گیری شد. توطئه‌ای که شکل‌گیری آن در زمان حیات رسول الله ﷺ بود. ارتحال نبی مکرم اسلام ﷺ راه را برای توطئه‌گران هموار کرد و دست آنان را به خونهای مطهری آغشته کرد که هیچ آبی در دنیا و نه در آخرت آن را نمی‌شوید. آن توطئه چیزی جز ممانعت از کتابت و نقل حدیث به بهانه‌های واهی - از جانب دستگاه خلافت و پس از آن عالمان اهل سنت در قرون بعدی - نبود. در جلسه گذشته این بهانه‌ها را مفصلاً نقل و نقد کردیم و اینک به شکل کوتاه مروری بر آن می‌نماییم.

۱ - ابوبکر به این بهانه که شاید سخنان رسول الله ﷺ را از افراد غیر ثقه و غیر امین شنیده باشد، تمامی پانصد روایتی که از پیامبر ﷺ جمع آوری کرده بود را سوزاند. به همین دلیل مردم را نیز از نقل و تدوین روایات منع کرد<sup>(۱)</sup>.

۲ - عمر به بهانه خلط و اشتباه قرآن با احادیث و اجمال در روایات و عدم فهم صحیح آنها، از تدوین روایات جلوگیری کرد<sup>(۲)</sup>.

۳ - ابن حجر و ابن قتیبه، بر این باورند که چون صحابه، قادر به خواندن و نوشتن نبودند، خلفاء برای جلوگیری از اشتباه مسلمانان، نشر احادیث را منع کردند<sup>(۳)</sup>.

۴ - برخی از پیروان و دوست داران خلفاء می‌گویند چون نوشتن و تدوین احادیث موجب ضعف و ناتوانی قوه حافظه مسلمانان می‌گردد و در نتیجه حفظ قرآن با مشکل مواجه می‌شود، خلفاء نقل احادیث را ممنوع کردند<sup>(۴)</sup>.

۵ - برخی دیگر بر این باورند که تدوین احادیث موجب عدم توجه مسلمانان به قرآن می‌گردد؛ از طرف دیگر همه مسلمانان توان درک صحیح احادیث را ندارند به همین دلیل خلفاء از نقل و تدوین احادیث جلوگیری کردند<sup>(۵)</sup>.

۶ - برخی از مستشرقین در توجیه ممنوعیت نشر احادیث می‌گویند، خلفاء به خصوص خلیفه دوم اعتقادی به پیشرفت فرهنگی و رشد علمی مسلمانان

۱- از منابع اهل سنت تذکرة الحفاظ، جلد ۱ صفحه ۵.

۲- از منابع اهل سنت الطبقات، جلد ۵ صفحه ۱۸۸ و جلد ۳ صفحه ۲۰۶.

۳- از منابع اهل سنت: هدی الساری، صفحه ۸ و تأویل مختلف الحدیث، صفحه ۳۶۶.

۴- از منابع اهل سنت: الحدیث و المحدثون، صفحه ۱۲۳ و حجیة السنة، صفحه ۴۲۸.

۵- شرف اصحاب الحدیث، صفحه ۹۷.

نداشتند، آنان می‌خواستند از اعراب، مسلمانانی شجاع و مبارز بسازند تا بتوانند در نقاط مختلف قلمرو اسلامی حکمرانی کنند<sup>(۱)</sup>.

### نظریهٔ علمای شیعه، پیرامون ممنوعیت نشر احادیث؛

در مقابل اهل سنت گروهی هستند که همیشه با بهره‌گیری از معارف ناب وحی و استمداد از اهل بیت علیهم‌السلام سخن تازه و متقنی برای ارائه دارند. دانشمندان و صاحب نظران مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در رابطه با ممنوعیت نشر احادیث نظری دیگر دارند. آنان می‌گویند علت اساسی و عمدهٔ منع و تدوین روایات، محدود و محو کردن فضائل و مناقب اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد.

در این جلسه می‌خواهیم نظریهٔ دانشمندان شیعه را بررسی نماییم. آیا نظریه و استنباط تاریخی علمای شیعه پشتوانهٔ تاریخی دارد؟ آنها برای اثبات نظریهٔ خود چه دلایلی عرضه می‌کنند؟ آیا دلایل آنان دارای اعتبار بوده و قابل اعتماد می‌باشد؟

علمای شیعه برای اثبات نظر خود می‌گویند دل مشغولی و نگرانی عمدهٔ صاحبان قدرت و حکومت، نشر و گسترش فضائل و ویژگی‌های مثبت رقبا و مخالفین می‌باشد. از این رو حاکمان سعی می‌کنند وسایل اطلاع رسانی را محدود کنند و تحت سیطرهٔ خود قرار دهند. در صدر اسلام، کتابت، تبلیغ و خطبه‌های نماز جمعه مهمترین وسایل اطلاع رسانی بودند. خلفاء برای جلوگیری از تزلزل

۱- دلایل التوثیق، صفحهٔ ۲۳۰.

اقتدار و مشروعیت خود این وسایل را به شدت زیر نظر داشتند. از طرف دیگر مهمترین و موجه‌ترین مخالفان آنان، اهل بیت پیامبر ﷺ بودند، به همین دلیل حاکمان صدر اسلام به هر نحوی از نشر و اشاعه فضائل اهل بیت وحی ﷺ جلوگیری می‌کردند. علمای شیعه برای تحکیم نظر خود به روایتی از خطیب بغدادی اشاره می‌کنند. در این روایت آمده است که عبدالرحمن بن اسود از پدرش نقل می‌کند که،

« جاء علقمة بكتاب من مكة - أو اليمن - صحيفة فيها أحاديث في أهل البيت، بيت النبي ﷺ [فأستأذنا على عبدالله [بن مسعود] فدخلنا عليه، فدفعنا إليه الصحيفة، فدعا الجارية ثم دعا بطست فيها ماء، فقلنا له: أنظر فيها، فإن فيها أحاديث حسناً، فجعل يمشيها فيه ويقول: ﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ﴾<sup>(۱)</sup> القلوب أوعية فاشغلوها بالقرآن ولا تشغلوها بما سواه»<sup>(۲)</sup>.

علقمه از مکه یا یمن کتابی آورد نوشته‌ای که در رابطه با اهل بیت پیامبر ﷺ [احادیثی در آن بود. از عبدالله ابن مسعود اذن ورود خواستیم و بر او وارد شدیم، و آن نوشته را به او نشان دادیم، ابن مسعود کنیز خود را صدا زد و طشتی از آب خواست، به ابن مسعود گفتیم، در این اوراق احادیث صحیحی وجود دارد، اما او توجه نکرد و اوراق را در ظرف فرو برد و گفت: ما بهترین سرگذشتها را از طریق

۱- سوره یوسف، آیه ۲.

۲- تقييد العلم، صفحه ۵۴.

این قرآن - که بر تو وحی کردیم - بر تو باز گو می‌کنیم. پس گفت دلها همانند ظرف هستند، آن را با قرآن لبریز کنید نه با چیز دیگر.  
 بنا بر روایت فوق باید قائل به انحراف عبدالله ابن مسعود باشیم و او را یکی از سردمداران منع نقل احادیث بدانیم.

### نقد استدلال به روایت مربوط به ابن مسعود؛

روایت فوق از جهات مختلفی قابل نقد می‌باشد و اشکالات فراوانی بر آن وارد است.

- ۱ - با تتبع در کتب روایی اهل سنت و شیعه، روشن می‌گردد که، ابن مسعود روایات فراوانی نقل کرده است. به عبارت دیگر ابن مسعود یکی از ناقلین و راویان احادیث رسول الله ﷺ می‌باشد. همچنین وی یکی از طرفداران تدوین و نقل احادیث بود. بنا بر این چنین شخصی در صورت یافتن حدیثی، آن را هرگز محو نمی‌کند و در آب از بین نمی‌برد.
- ۲ - ابن مسعود به اذن خلیفه اول برای تعلیم و تبلیغ احکام اسلامی از مدینه به کوفه می‌رود، اما در زمان خلیفه دوم به جرم نقل و نشر احادیث به مدینه فرا خوانده می‌شود و تا پایان عمر خلیفه دوم زندانی می‌گردد<sup>(۱)</sup>.
- ۳ - ابن مسعود هر شب جمعه جلسه نقل احادیث برگزار می‌کرد. ابن میمون در این باره می‌گوید:

۱- از منابع اهل سنت: العواصم من القواصم، صفحه ۷۶ و مستدرک حاکم، جلد ۱ صفحه ۱۱۰.

« ما أخطاني ابن مسعود عشية خميس إلا أتيته فيه »<sup>(۱)</sup>.

ابن مسعود هیچ شب جمعه‌ای را فراموش نمی‌کرد و من هر شب جمعه نزد او می‌رفتم.

۴ - در روایتی عبدالله ابن زبیر می‌گوید:

« قلت لو ادي مالي لا اسمعك تحدث عن رسول الله ﷺ كما أسمع ابن مسعود »<sup>(۲)</sup>.

به پدرم گفتم: چرا همان‌گونه که ابن مسعود از پیامبر ﷺ روایت نقل می‌کند، شما روایت نقل نمی‌کنید؟

۵ - ابو موسی اشعری در باره عبدالله ابن مسعود می‌گوید:

« قدمت أنا وأخي من اليمن فمكثنا حينما ما نرى إلا أن عبدالله بن مسعود رجل من أهل بيت النبي ﷺ »<sup>(۳)</sup>.

من و برادرم از یمن آمدیم و مدتی در مدینه ماندیم. در این مدتی عبدالله ابن مسعود را مردی از دوستان اهل بیت پیامبر ﷺ یافتیم.

۶ - روایات فراوانی در فضائل خاندان پیامبر ﷺ در کتب اهل سنت و

شیعه وجود دارد که ناقل و راوی آنها ابن مسعود می‌باشد. به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم. در روایتی آمده است که ابن مسعود خطاب به قریش می‌گوید:

۱- از منابع اهل سنت: مسند احمد، جلد ۱ صفحه ۴۵۲، سنن ابن ماجه، جلد ۱ صفحه ۱۰ و سنن الدارمی، جلد ۱ صفحه ۸۳.

۲- از منابع اهل سنت: مسند احمد، جلد ۱ صفحه ۱۶۵ و سنن ابن ماجه، جلد ۱ صفحه ۱۴.

۳- از منابع اهل سنت صحیح بخاری، جلد ۴ صفحه ۲۱، سنن ترمذی، جلد ۵ صفحه ۳۳۷ و تهذیب الکمال، جلد ۳۲ صفحه ۴۱۳.



« یا معشر قریش! قد علمتم و علم خیارکم أنّ اهل بیت نبیّکم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أقرب إلى رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منکم وإن کنتم إنّما تدعون هذا الأمر بقراة رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و تقولون: إنّ السابقة لنا، فأهل نبیّکم أقرب إلى رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منکم وأقدم سابقة منکم وعلیّ ابن ابي طالب صاحب هذا الأمر بعد نبیّکم فأعطوه ما جعله الله له ولا ترتدّوا علی أعقابکم فتقلبوا خاسرین» (۱).

ای گروه قریش! شما می دانید و برگزیدگان شما نیز می دانند، که اهل بیت پیامبرتان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از شما به رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نزدیک تر هستند. هر چند شما خلافت را به دلیل نزدیکی به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از آن خود می دانید و می گوئید ما از پیشگامان هستیم. اما بدانید، اهل بیت پیامبرتان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از شما به رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نزدیکتر و پیشگام تر هستند و علی ابن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام پس از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صاحب و شایسته خلافت است، پس به او واگذار کنید آن چه را که خداوند به او داده است [خلافت] و به گذشته باز نگردید، سرانجام زیان کار خواهید شد.

در روایتی دیگر آمده است که شخصی از ابن مسعود سؤال کرد:

«هل حدّثکم نبیّکم کم یكون من بعده خلیفة؟»؛

آیا پیامبرتان به شما گفته است که پس از او چند جانشین خواهد داشت؟

ابن مسعود در پاسخ گفت:

« نعم ، كعدة نقباء بني اسرائيل »<sup>(۱)</sup> .

آری ، به اندازه سرپرستان بنی اسرائیل [دوازده نفر].

ابن مسعود در روایتی از رسول الله نقل می‌کند که:

« إن فاطمة أحصنت فرجها فحرم الله ذريتها على النار »<sup>(۲)</sup> .

[حضرت] فاطمه علیها السلام [دامن خود را پاکیزه نگه داشت ، به همین دلیل

خداوند ، آتش را بر فرزندان او حرام کرد .

همچنین ابن مسعود نقل می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

« النظر إلى وجه عليّ عبادة »<sup>(۳)</sup> .

دیدن ، سیمای علی علیه السلام [عبادت است .

در روایتی دیگر ، ابن مسعود می‌گوید: پس از آنکه امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ

خندق عمرو بن عبدود را به قتل رساندند ، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در حق

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

« برز الإيمان كله إلى الشرك كله »<sup>(۴)</sup> .

تمام ایمان در برابر تمام کفر ایستاد و صف آرایی کرد .

ابن مسعود نقل می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

۱- از منابع اهل سنت: مسند احمد ، جلد ۱ صفحه ۴۰۶ و ینابیع المودة ، جلد ۲ صفحه ۳۱۵ .

۲- از منابع اهل سنت: مستدرک حاکم ، جلد ۳ صفحه ۱۵۲ و تاریخ مدینه دمشق ، جلد ۶۳ صفحه ۳۰ .

۳- از منابع اهل سنت ، مستدرک حاکم ، جلد ۳ صفحه ۱۴۲ و مناقب ابن المغازلی ، صفحه ۲۰۹ .

۴- از منابع اهل سنت ، ینابیع المودة جلد ۱ صفحه ۲۸۱ .

« من زعم إنه آمن بما جئت وهو مبغض عليّ ، فهو كاذب ليس بمؤمن »<sup>(۱)</sup>.

هر کس که می‌پندارد به من و آنچه که آورده‌ام ایمان آورده است، اما کینه علی [علیه السلام] را در دل داشته باشد، بداند که دروغ می‌گوید و ایمان نیاورده است.

باز ابن مسعود نقل می‌کند، که از رسول الله ﷺ پرسیدند:  
« ما منزلة عليّ منك ؟ »؛

علی [علیه السلام] در نزد شما چه مقام و جایگاهی دارد؟  
رسول الله ﷺ در پاسخ فرمودند:  
« منزلتي من الله عزّوجل »<sup>(۲)</sup>.

مقام علی [علیه السلام] در نزد من، همانند مقام من در نزد خداوند متعال است.  
ابن مسعود معیار شناخت منافقین را این گونه بیان می‌کند:  
« ما كنّا نعرف المنافقين على عهد رسول الله ﷺ إلاّ ببغضهم عليّ ابن أبي طالب »<sup>(۳)</sup>.

ما منافقین را در زمان پیامبر ﷺ نمی‌شناختیم مگر با کینه علی [علیه السلام]، [منافق، کینه امیرالمؤمنین علی را در دل دارد].  
ابن مسعود که از جمله علمای اهل سنت است باستناد به این فرمایش

۱- از منابع اهل سنت: مناقب خوارزمی، صفحه ۳۵، سیر اعلام النبلاء، جلد ۱۵ صفحه ۵۴۲ و تاریخ مدینه دمشق، جلد ۴۲ صفحه ۳۵۰.  
۲- از منابع اهل سنت: کشف الحثیث، صفحه ۲۲۹ و لسان المیزان، جلد ۵ صفحه ۱۶۱.  
۳- از منابع اهل سنت: الدرّ المثور، جلد ۶ صفحه ۶۶ و سبل الهدی والرشاد، جلد ۱۱ صفحه ۲۹۰.

رسول مکرم اسلام ﷺ که فرمودند:

« من صَلَّى صلاة ولم يصلِّ عليَّ وعلی اهل بیته لم تقبل صلاته »<sup>(۱)</sup>.

هر کس نماز بخواند و بر من [پیامبر ﷺ] و بر اهل بیتم [علیهم السلام] صلوات نفرستد نماز او پذیرفته [صحیح] نخواهد شد.

در فتوای خود که همسو با معظم فتاوی اهل سنت است نماز بدون صلوات بر پیامبر و اهل بیت علیهم السلام را باطل می‌داند.<sup>(۲)</sup>

۷- سید مرتضیٰ رحمته الله علیه در کتاب الشافی فی الإمامة در مورد ابن مسعود می‌گوید:

« لا خلاف بین الأمة فی طهارة ابن مسعود وفضله وایمانه ومدح رسول الله ﷺ وثنائه علیه وانه مات علی الحالة المحمودة »<sup>(۳)</sup>.

هیچ خلافتی بین شیعیان در پاکی، فضل و ایمان ابن مسعود وجود ندارد، پیامبر ﷺ او را مدح و ثنا فرموده است و او با دینی سالم و صحیح از دنیا رفت.

با تمام شواهد فوق و شهادت سید مرتضیٰ رحمته الله علیه نمی‌توان پذیرفت که ابن مسعود طرفدار جریان حاکم بوده است و در منع از نقل احادیث نقشی داشته است. چگونه ابن مسعود می‌تواند از مانعین نقل و تدوین احادیث باشد، در حالیکه هم احادیث فراوانی نقل کرده است و هم در فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام روایات فراوانی از او در کتب فریقین نقل شده است؟ در نتیجه دو راه در پیش

۱- از منابع اهل سنت: سنن الدار قطنی، جلد ۱ صفحه ۳۴۸ و نیل الأوطار، جلد ۲ صفحه ۳۲۲.

۲- کتاب الخلاف، جلد ۱ صفحه ۳۷۳.

۳- الشافی فی الامامة، جلد ۴ صفحه ۲۸۳.

روی داریم؛ یا قائل به کذب خطیب بغدادی شویم و روایت او مبنی بر از بین بردن روایات توسط ابن مسعود را دروغ بیندازیم یا اینکه روایت خطیب بغدادی را تحریف شده بدانیم. احتمال دوم مؤیدی نیز دارد؛ زیرا برخی بر این باورند که ابن مسعود داستان سرایی‌ها و دروغ پردازی‌های کعب الأحبار و ابی درداء را در آب از بین برد نه روایاتی که در مدح و ثناء اهل بیت علیهم‌السلام بود.

نتیجه سخن آن که روایت خطیب بغدادی نمی‌تواند سندی محکم و محکمه پسند باشد و دانشمندان و محققین شیعه نمی‌توانند به استناد نقل خطیب بغدادی بر این باور باشند که تنها هدف منع تدوین و نقل احادیث توسط خلفاء ایجاد محدودیت در نشر فضائل و مناقب اهل بیت وحی علیهم‌السلام بوده است.

### خلفاء راویان مناقب امیرالمؤمنین علیه‌السلام؛

اشکال و نقد دیگری که بر نظر اندیشمندان شیعه وارد می‌شود از این قرار است که روایات فراوانی در مناقب و فضائل امیرالمؤمنین علیه‌السلام در کتب اهل سنت وجود دارد که ناقل و راوی آنها ابوبکر و عمر می‌باشند. حال آنکه بنا بر مبنای محققین شیعه نباید خلفاء ناقل روایات فضائل رقبا و مخالفین حکومتی خود باشند.

### الف: روایاتی از ابوبکر؛

به عنوان نمونه به چند مورد از این روایات اشاره می‌نماییم. در کتاب ریاض النظرة یک فصلی تحت این عنوان وجود دارد،

« باب ما رواه ابوبکر فی فضائل علی [علیه السلام] »<sup>(۱)</sup>.

روایاتی که ابوبکر در فضائل علی [علیه السلام] نقل کرده است.

از عنوان این باب به خوبی روشن است که احادیث ابوبکر در مدح امیرالمؤمنین [علیه السلام] قابل ملاحظه می‌باشد، که تحت یک باب جمع‌آوری شده است. ابوبکر در روایتی از رسول الله ﷺ نقل می‌کند:

« انظر إلی وجه علی عبادة »<sup>(۲)</sup>.

دیدن، سیمای علی [علیه السلام] عبادت است.

در روایتی دیگر ابوبکر نقل می‌کند که از رسول الله ﷺ پرسیدند: امیرالمؤمنین [علیه السلام] در نزد شما دارای چه مقام و منزلتی هستند؟ رسول الله ﷺ در پاسخ فرمودند:

« منزلتي من الله عزوجل »<sup>(۳)</sup>.

همانند مقام و جایگاه من نزد خداوند متعال.

در روایت دیگری نیز آمده است که ابوبکر به امیرالمؤمنین [علیه السلام] عرض کرد:

« سمعت رسول الله ﷺ يقول : لا يجوز أحد الصراط إلا من كتب له

عليّ الجواز »<sup>(۴)</sup>.

شنیدم که پیامبر ﷺ فرمودند: هیچ کس از پل صراط نمی‌گذرد

مگر آنکه علی [علیه السلام] اجازه عبور او را بدهند.

۱- کتاب ریاض النظره تألیف محبّ الدین طبری، باب ما رواه ابوبکر فی فضائل علی [علیه السلام].

۲- از منابع اهل سنت: مناقب خوارزمی، صفحه ۲۶۱.

۳- ریاض النظره در باب ما رواه ابوبکر فی فضائل علی [علیه السلام].

۴- از منابع اهل سنت مناقب خوارزمی، صفحه ۲۲۲ و بنابیع المودّة، جلد ۲ صفحه ۴۰۴.

در این جا پرسش ساده و مختصری از علمای اهل سنت داریم، آیا امیرالمؤمنین علیه السلام به کسانی که همسرش حضرت فاطمه علیها السلام را زدند، پهلوی ایشان را شکستند و فرزندش علیه السلام را سقط کردند، اجازه عبور از پل صراط می دهند؟

### ب: روایاتی از عمر؛

خلیفه دوم که با شدت بیشتری از خلیفه اول، مسأله منع از نشر احادیث را پی گیری می کرد، احادیث فراوانی در مدح و فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است. این مورد نیز به عنوان یک نقض به نظریه مطرح شده از سوی علماء شیعه وارد می شود. به چند مورد از روایاتی که عمر نقل کرده است، اشاره می نمایم. عمر می گوید:

« لقد أعطی علی بن ابی طالب علیه السلام ثلاث خصال لأن تكون لی خصلة منها أحب الی من أن أعطی حمر النعم . قیل وما هنّ؟ قال : تزوجه فاطمة بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وسکناه المسجد مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یحلّ له فیہ ما یحلّ له والرأیة یوم خیبر»<sup>(۱)</sup>.

امیرالمؤمنین علیه السلام دارای سه ویژگی بودند که داشتن یکی از آنها برای من بهتر است از دارا بودن تمام شترهای سرخ موی. از عمر پرسیدند آن سه ویژگی کدام اند؟ گفت: ازدواج با فاطمه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم [ علیه السلام ] و سکونت در مسجد همراه با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هر چه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۱- از منابع اهل سنت: مستدرک حاکم، جلد ۳ صفحه ۱۲۵، مناقب خوارزمی، صفحه ۲۶۱ و مجمع الزوائد، جلد ۹ صفحه ۱۲۰.

روا باشد بر امیرالمؤمنین علیه السلام نیز روا می‌باشد و به دست گرفتن پرچم سپاهیان اسلام در روز خیبر.

ویژگی دوم اشاره به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارد؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دستور دادند به جز من و امیرالمؤمنین علیه السلام هر کس که خانه او دربی به سوی مسجد دارد باید آن را ببندد<sup>(۱)</sup>. ویژگی سوم امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد جنگ خیبر است. پس از آنکه در روز اول و دوم ابو بکر و عمر نتوانستند کاری از پیش ببرند و از یهودیان شکست خوردند و فرار را بر قرار ترجیح دادند، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«لأعطين هذه الرّاية غداً رجلاً يفتح الله على يديه يحبّ الله ورسوله ويحبّه الله ورسوله»<sup>(۲)</sup>.

فردا پرچم را به مردی می‌سپارم که خداوند پیروزی را در دست او قرار می‌دهد، خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم را دوست می‌دارد و خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم نیز او را دوست می‌دارند.

در روایتی که راوی آن عمر می‌باشد آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«يا عليّ! لك سبع خصال لا يحاجّك فيها أحد يوم القيامة: أنت أوّل المؤمنين بالله إيماناً وأوفاهم بعهد الله وأقومهم بأمر الله وأرأفهم بالرعيّة وأقسّمهم بالسويّة وأعلمهم بالقضيّة وأعظمهم مزية يوم القيامة»<sup>(۳)</sup>.

۱- از منابع اهل سنت: مسند احمد، جلد ۴ صفحه ۳۶۹، فتح الباری، جلد ۷ صفحه ۱۲.  
 ۲- از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۴ صفحه ۲۰، مسند احمد، جلد ۵ صفحه ۳۳۳ و مجمع الزوائد، جلد ۶ صفحه ۱۵۰.  
 ۳- از منابع اهل سنت: کنز العمال، جلد ۱۱ صفحه ۶۱۷ و میزان الاعتدال، جلد ۱ صفحه ۳۱۳.



ای علی [علیه السلام] تو دارای هفت خصلت هستی و هیچ کس در روز قیامت به خاطر آنها علیه تو حجّت نمی آورد و اعتراض نمی کند؛ تو نخستین مؤمن به خداوند هستی، و وفادارترین آنها به عهد و پیمان با خدا و ثابت قدم ترین آنها در دین خدا و مهربان ترین آنها با مردم و عادل ترین آنها در تقسیم و مساوات با مردم و داناترین آنان به قضاوت و بالاترین آنان از لحاظ مقام و منزلت در روز قیامت.

عمر بارها و با بیانه‌های مختلف احتیاج مبرم خود را به امیرالمؤمنین [علیه السلام] اظهار داشته است، به عنوان نمونه بارها گفته است:

«لولا علیّ لهلك عمر»<sup>(۱)</sup>.

اگر علی [علیه السلام] نبود عمر هلاک می شد.

«أفضانا علی»<sup>(۲)</sup>.

داناترین قاضی در میان ما علی [علیه السلام] می باشند.

«لا أبقاني الله بعدك يا عليّ [أبو الحسن]»<sup>(۳)</sup>.

ای علی (ابو الحسن) [علیه السلام] خداوند پس از شما مرا زنده نگه ندارد.

عمر ابن الخطّاب شهادت می دهد که:

- 
- ۱- از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۱ صفحه ۱۸، مناقب خوارزمی، صفحه ۸۱ و نظم درر السمطین، صفحه ۱۳۰.
  - ۲- از منابع اهل سنت: استیعاب، جلد ۳ صفحه ۴۱ و تاریخ مدینه دمشق، جلد ۲ صفحه ۳۲۵.
  - ۳- از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۱ صفحه ۸۱، مناقب خوارزمی، صفحه ۱۰۱، ارشاد الساری، جلد ۳ صفحه ۱۹۵.

« توقی النبی ﷺ وهو عنه أي عن علي [عليه السلام] راض »<sup>(۱)</sup>.

پیامبر ﷺ رحلت فرمودند، در حالی که از ایشان - علی ابن ابی طالب عليه السلام - راضی بودند.

### علت ممنوعیت نشر تمام احادیث؛

با توجه به شواهدی که تا کنون بیان کردیم، روشن می‌شود که تنها انگیزه منع نشر، نقل و تدوین احادیث جلوگیری از گسترش و آگاهی مردم نسبت به فضایل اهل بیت عليهم السلام نمی‌باشد. علاوه بر تمام مطالب فوق می‌توان اضافه کرد که، نظر دانشمندان شیعه اخصّ از مدعا است به این معنا که بنا بر نظر آنان، خلفاء می‌بایست مانع نشر و تدوین احادیث مربوط به فضائل اهل بیت عليهم السلام باشند در حالیکه چنین نبود و سردمداران آن جریان خطرناک، از نقل و تدوین همه احادیث جلوگیری کردند. برخی از علماء، در صدد پاسخگویی بر آمده و می‌گویند، چون خلفاء نمی‌توانستند به صورت علنی و صریح از نقل احادیث مربوط به فضایل امیرالمؤمنین عليه السلام جلوگیری کنند، مجبور شدند از نقل و تدوین تمام روایات جلوگیری کنند، تا در این بین بتوانند، به هدف نهایی خود دست یابند.

### عدم همدارلو پنهان کاری عمر؛

در نقد پاسخ فوق بیان می‌کنیم که در زمان خلیفه دوم، منع از نقل و

۱- از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۴ صفحه ۲۰۷ و فتح الباری، جلد ۷ صفحه ۵۸.

تدوین احادیث به صورتی جدی پیگیری می‌شد، و عمر با تمام تلاش خود از نقل هر روایتی جلوگیری می‌کرد. از طرف دیگر می‌دانیم که عمر فردی بسیار خشن و سنگدل بود و اهل مدارا و ملاحظت نبود. با توجه به روایات عمر، اگر هدف از منع نقل احادیث جلوگیری از نشر فضایل اهل بیت علیهم‌السلام می‌بود، عمر بسیار جدی و بدون ملاحظه کاری، تنها از نقل آن دسته از احادیث جلوگیری می‌کرد و نقل و تدوین دیگر روایات را منع نمی‌کرد.

### نمونه‌های از رفتار عمر با حضرت زهرا علیها‌السلام؛

برای شناخت روایات عمر، بررسی رفتار او با دختر گرامی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نمونه مناسبی است.

رفتار عمر با دختر گرامی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نمونه بسیار روشن سنگدلی و قساوت است. به نمونه‌هایی از رفتار عمر با حضرت زهرا علیها‌السلام که در کتب معتبر اهل سنت ذکر شده است، اشاره می‌کنیم.

در مورد یکی از برخوردهای عمر با حضرت زهرا علیها‌السلام اهل سنت نقل می‌کنند:

« فأقبل بقبس من نار علی أن یضرم علیهم الدار فلقیته فاطمة ، فقالت : یا بن الخطّاب ، أجنّت لتحرق دارنا ، قال : نعم»<sup>(۱)</sup>.

عمر به همراه شعله‌ای از آتش برای آتش زدن خانه [اهل بیت

۱- از منابع اهل سنت: العقد الفرید، جلد ۵ صفحه ۱۳ و الإمامة والسیاسة، جلد ۱ صفحه ۳۰.

پیامبر ﷺ] حرکت کرد. در این میان حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: ای پسر خطاب! آیا آمده‌ای که خانه ما را به آتش بکشی؟ عمر گفت: آری. در روایت دیگری اهل سنت نقل می‌کنند که عمر به حضرت فاطمه علیها السلام عرض کرد:

« وما أحد أحبّ إليّ أبينك منك وما ذلك بمانعي إن أجمع هؤلاء النفر عندك أن أمرتهم أن يحرقوا عليك الباب »<sup>(۱)</sup>.

شما ﷺ] نزد پدرت [ﷺ] محبوب‌ترین فرد بودی، و آن مانع نمی‌شود که من گروهی را جمع کنم و دستور بدهم که درب خانه شما را آتش زنند.

در روایت دیگری، سخن عمر این گونه نقل شده است.

« والذی نفس عمر بیده لتخرجن أو لأحرقنّها علی من فیها . فقیل له : یا أبا حفص إنّ فیها فاطمة ، فقال : وإن »<sup>(۲)</sup>.

سوگند به آن که جان عمر در دست اوست، از خانه خارج می‌شوید یا خانه را با تمام اهلش به آتش می‌کشانم. به او گفته شد: ای ابا حفص! [کنیه عمر] حضرت فاطمه [علیها السلام] در خانه حضور دارند، او گفت: هر چند که باشند.

در روایتی دیگر رفتار عمر این گونه گزارش شده است:

« فجاء عمر ومعه فتيلة فتلقته فاطمة علی الباب ، فقالت فاطمة : یا ابن

۱- از منابع اهل سنت: کنز العمال، جلد ۳ صفحه ۱۴۰.

۲- از منابع اهل سنت: الامامة والسياسة، جلد ۱ صفحه ۱۹.

الخطاب أترك محرقةً عليّ بآبي؟ قال: نعم وذلك أقوى فيما جاء به  
أبوك»<sup>(۱)</sup>.

عمر با پاره‌ای از آتش آمد حضرت فاطمه عليها السلام او را در کنار درب خانه  
دید و فرمودند: ای پسر خطاب آمده‌ای که درب خانه ما را آتش بزنی؟  
او گفت: آری و این برای محکم کردن کار پدرت صلى الله عليه وآله می‌باشد.  
با توجه به قساوت و سنگدلی عمر، نمی‌توان قائل به ملاحظه کاری عمر  
شد، در نتیجه آخرین توجیه و استدلالی که از طرف علما شیعه مطرح شده است،  
قابل قبول نمی‌باشد.

### تحقیقی دیگر در مورد ممنوعیت نقل احادیث

#### دو گروه عمده صحابه؛

نظر دیگری در مورد علت منع از نشر احادیث وجود دارد. این نظر با بیانی  
که مطرح می‌کنیم تاکنون قائل نشده است. برای تبیین نظر مورد قبول، بیان  
مقدمه‌ای کوتاه ضروری می‌باشد.

تأمل در تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد که در میان صحابه رسول  
الله صلى الله عليه وآله دو گروه متمایز از یکدیگر وجود داشتند؛ گروهی، واقعاً مطیع، منقاد و  
تسلیم محض بودند و به احکام الهی و دستورات رسول الله صلى الله عليه وآله گردن می‌نهادند  
و از آنها سرپیچی نمی‌کردند. در میان صحابه، افراد فراوانی از این دسته بودند.

۱- از منابع اهل سنت: انساب الاشراف، جلد ۱ صفحه ۵۸۶.

اطاعت خدا و رسول الله ﷺ و پذیرفتن احکام الهی از نشانه‌های این افراد است. آنان همیشه آیات ذیل را در برابر دیدگان خویش داشتند.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ﴾<sup>(۱)</sup>.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر را.

﴿ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴾<sup>(۲)</sup>.

و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند و از خدا بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند.

﴿ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ

الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا ﴾<sup>(۳)</sup>.

هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری در برابر فرمان خدا داشته باشد، و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است.

﴿ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

الْعِقَابِ ﴾<sup>(۴)</sup>.

آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید و از آنچه نهی کرده خود

۱- سوره نساء، آیه ۵۹.

۲- سوره نور، آیه ۵۲.

۳- سوره احزاب، آیه ۳۶.

۴- سوره حشر، آیه ۷.

داری نمایند، و از مخالفت خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است. اما در میان صحابه، گروه دیگری نیز بودند، که از فرمان وحی و دستورات رسول الله ﷺ سربلندی می‌کردند، و برای خود آراء و نظرات شخصی داشتند. آنان برای خود و باورهایشان جایگاه خاصی قائل بودند. پیامبر ﷺ را همانند دیگر انسانها می‌دانستند که گاهی اشتباه می‌کند و همه افعال رسول الله ﷺ را صواب و درست نمی‌دانستند. آنها بر این باور بودند که رسول الله ﷺ گاهی برخی از افراد را به نا حق و به اشتباه دشنام و نفرین می‌کنند<sup>(۱)</sup>. این دسته از صحابه بر خلاف شیعیان، برای رسول الله ﷺ عظمت و عصمت قائل نبودند. آنها در برابر رسول الله ﷺ می‌ایستادند و مراعات ادب و احترام نمی‌کردند. خداوند متعال در رابطه با این افراد می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴾<sup>(۲)</sup>.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدای خود را فراتر از صدای پیامبر نکنید، و در برابر او بلند سخن نگویند و داد و فریاد نزنید آن گونه که بعضی از شما در برابر بعضی بلند صدا می‌کنند، مبادا اعمال شما نابود گردد در حالی که نمی‌دانید.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتِلُمُ إِلَى

۱- از منابع اهل سنت: صحیح مسلم، جلد ۸ صفحه ۲۴ و فتح الباری، جلد ۱۱ صفحه ۱۴۷.

۲- سوره حجرات، آیه ۲.

الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿١﴾.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا هنگامی که به شما گفته می‌شود: به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید، بر زمین سنگینی می‌کنید و سستی به خرج می‌دهید؟ آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده‌اید؟ با اینکه متاع زندگی دنیا، در برابر آخرت، جز اندکی نیست.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا﴾ ﴿٢﴾.

آنها که خدا و پیامبرش را آزار می‌دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته، و برای آنها عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده است.

این دسته از افراد با روشهای مختلفی رسول الله ﷺ را اذیت می‌کردند، گاهی نافرمانی می‌کردند و به جنگ نمی‌رفتند، گاهی در مورد زنان رسول الله ﷺ سخنها ناشایستی بیان می‌کردند<sup>(۳)</sup>. خداوند متعال در باره آنان می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا

۱- سوره توبه، آیه ۳۸.

۲- سوره احزاب، آیه ۵۷.

۳- برخی از آنان می‌خواستند پس از وفات رسول الله ﷺ با همسران ایشان ازدواج کنند. از منابع اهل سنت: فتح القدير، جلد ۴ صفحه ۲۹۹ الدر المنثور، جلد ۵ صفحه ۲۱۴.



إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا ﴿١﴾ .

و شما حق ندارید، رسول خدا را آزار دهید، و نه هرگز همسران او را بعد از او به همسری خود در آورید که این کار نزد خدا [جرمی] بزرگ است!

در آیه‌ای خداوند سبحان به صراحت از آنان یاد می‌کند و می‌فرماید:

﴿ وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ ﴾ ﴿٢﴾ .

از آنها کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند.

آیه فوق به روشنی بیان می‌کند که گروهی از صحابه، حقیقت نبوت را دریافتند و یا نمی‌خواستند که آن را دریابند. آنان از پیامبر ﷺ می‌خواستند که احکام الهی را تغییر دهند. خداوند سبحان، در رابطه با درخواست آنان و پاسخ پیامبر ﷺ می‌فرماید:

﴿ وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا انْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ لِيْ اَنْ اُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَاءِ نَفْسِيْ اِنْ اَتَّبِعُ اِلَّا مَا يُوْحٰى اِلَيَّ اِنِّيْ اَخَافُ اِنْ عَصَيْتُ رَبِّيْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ ﴾ ﴿٣﴾ .

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنها خوانده می‌شود، کسانی که ایمان به لقای ما ندارند می‌گویند: قرآنی غیر از این بیاور، یا آن را تبدیل کن. بگو: من حق ندارم که از پیش خود آن را تغییر دهم، فقط از

۱- سوره احزاب، آیه ۵۳.

۲- سوره توبه، آیه ۶۱.

۳- سوره یونس، آیه ۱۵.

چیزی که بر من وحی می شود، پیروی می کنم، من اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از مجازات روز بزرگ (قیامت) می ترسم.

خداوند متعال در رابطه با پیامبر ﷺ می فرماید:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾<sup>(۱)</sup>.

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید \* آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده، نیست.

در آیه‌ای دیگر خداوند سبحان به رسول الله ﷺ دستور می دهد:

﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾<sup>(۲)</sup>.

سپس تو را بر شریعت و آیین حقی قرار دادیم، از آن پیروی کن و از هوسهای کسانی که آگاهی ندارند پیروی مکن.

در عصر رسول الله ﷺ روش و منش برخی از صحابه حقه بازی و

نیرنگ بود<sup>(۳)</sup>، آنان با نقاب ایمان چهره نفاق خود را پنهان کرده بودند. آنان چون

۱- سوره نجم، آیات ۴-۳.

۲- سوره جاثیه، آیه ۱۸.

۳- برخی از مردم به وسیله نیرنگ، حقه بازی و عوام فریبی، قدرت و مکتبی به دست می آورند و فکر می کنند عاقل اند و از خرد بالایی بهره مند می باشند، در حالی که آنان از عقل و خرد بهره ای نبرده اند و به حقه بازی و شیطنت، نام عقل نهاده اند، فردی از امام صادق علیه السلام می پرسد عقل چیست؟ امام علیه السلام در پاسخ می فرماید: «ما عبد به الرحمن واكتسب به الجنان»؛ بوسیله عقل خداوند عبادت [و شناخته] می شود و بهشت بدست می آید. سپس سائل از امام علیه السلام پرسید، آنچه معاویه داشت چه بود؟ امام علیه السلام فرمودند:

به خداوند ایمان نداشتند و بی تقوا بودند، دست به هر کاری می‌زدند تا به مقاصد شیطانی خود دست یابند. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد خود می‌فرماید:

« لولا التَّقَى لكنت أدهى العرب »<sup>(۱)</sup>.

اگر پرهیزگاری و تقوی نبود، از تمام اعراب زیرکتر بودم.

آنان بدون ترس و واهمه‌ای با احکام خداوند بازی می‌کردند: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطاب به آنان می‌فرماید:

« أيتلعب بكتاب الله وأنا بين أظهركم »<sup>(۲)</sup>.

آیا با کتاب خداوند بازی می‌کنید در حالیکه من در میان شما هستم.

### سرپیچی خالد ابن ولید؛

بی شرمی برخی از صحابه به قدری بود، که در برابر فرمان صریح رسول

الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سرپیچی می‌کردند. به عنوان نمونه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، خالد ابن ولید را به سوی قبیله بنی جذیمه فرستادند، اما بر خلاف دستور رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و

→ « تلك النكراء! تلك الشيطنة وهي شبيهة بالعقل وليست بالعقل ». [معاویه عقل نداشت] بلکه حقه بازی و شیطنت داشت که به عقل شبیه است اما عقل نیست. (کافی، جلد ۱ صفحه ۱۱). انسان عاقل، انسانی است که بتواند سعادت اخروی را تحصیل نماید و پیوند خود را با خالق مستحکم سازد، به کسی که بتواند از هر راهی قدرت و ثروت فراوان ببندد و زد، عاقل نمی‌گویند.

۱- کافی، جلد ۸ صفحه ۲۴، از منابع اهل سنت، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۱ صفحه ۲۸.

۲- از منابع اهل سنت: سنن نسایی، جلد ۶ صفحه ۱۴۲، کنز العمال، جلد ۱ صفحه ۱۷۵، صحیح مسلم، کتاب الایمان.

علیرغم ایمان آوردن افراد قبیله بنی جذیمه، خالد ابن ولید بسیاری از آنان را از دم تیغ گذراند و آنان را غارت کرد. هنگامی که خبر جنایت، خالد ابن ولید به رسول الله ﷺ رسید، فرمودند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أBRَأُ إِلَيْكَ مِمَّا صَنَعَ خَالِدٌ»<sup>(۱)</sup>.

خداوندا! از کاری که خالد انجام داد نزد تو بیزار می جویم.

سپس رسول الله ﷺ برای جبران خسارت قبیله بنی جذیمه، امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ را نزد آنان فرستادند، تا آنان را راضی نمایند و حقوق و خون بهای کشته شدگان قبیله را بپردازند<sup>(۲)</sup>.

### ابو بکر و عمر، تابع یا مخالف؟

اکنون که دو گروه عمده صحابه را شناختیم، مناسب است به این پرسش پاسخ دهیم که ابو بکر و عمر در کدام یک از این دو گروه جای می گیرند؟ آیا از گروه متعبدین و مطیعین بودند؟ یا از متمردین و مخالفین؟

برای پاسخ به این پرسش، روایتی را از کتب اهل سنت نقل می کنیم. تأمل در این روایت می تواند، بیانگر رفتار ابوبکر و عمر در قبال رسول الله ﷺ باشد.

«جاء أبو بكر إلى رسول الله ﷺ وقال: يا رسول الله ﷺ إني مرتب بوادي كذا، فإذا رجل حسن الهيئة متخشع يصلي فيه، فقال ﷺ: اذهب

۱- از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۴ صفحه ۶۷ و مسند احمد، جلد ۲ صفحه ۱۵۱.  
 ۲- از منابع اهل سنت: فتح الباری، جلد ۸ صفحه ۴۶، سبل الهدی والرشاد، جلد ۶ صفحه ۲۰۱ و البداية والنهاية، جلد ۴ صفحه ۳۵۸.

إليه فاقتله ، فذهب إليه أبو بكر فلما رآه يصليّ كره أن يقتله فرجع ؛  
 ابوبکر خدمت رسول الله ﷺ شرفیاب شد و عرض کرد، در  
 منطقه ای مردی خوش سیما و فروتن دیدم که نماز می خواند، رسول  
 الله ﷺ فرمودند: برو و او را بکش. ابوبکر رفت، اما چون او را در  
 حال خواندن نماز دید، کشتن او را امری ناپسند دانست و بازگشت.  
 فقال النبي ﷺ لعمر: اذهب فاقتله ، فرآه يصليّ على تلك الحالة فرجع ؛  
 پیامبر ﷺ به عمر فرمودند: برو و او را بکش. عمر نیز چون آن فرد  
 را در حال خواندن نماز دید او را نکشت و بازگشت.

فقال النبي ﷺ: يا عليّ اذهب إليه فاقتله ، فذهب عليّ فلم يره ، فقال  
 النبي ﷺ: إن هذا وأصحابه يقرؤون القرآن لا يجاوز تراقيهم»<sup>(۱)</sup>.  
 سپس پیامبر ﷺ فرمودند: ای علی! برو و او را بکش،  
 امیرالمؤمنین علیه السلام رفتند اما او را ندیدند. پیامبر ﷺ فرمودند: این  
 فرد و یارانش قرآن می خوانند اما قرآن از سینه [ترقوة] آنان بالاتر  
 نمی رود.

پیامبر ﷺ می دانستند که این فرد نماز گزار در آینده به خوارج نهروان  
 ملحق می شود و بر امیرالمؤمنین علیه السلام خروج می کند به همین دلیل فرمودند: آنان  
 قرآن می خوانند، اما آن را درک نمی کنند. از طرف دیگر رسول الله ﷺ به هیچ

۱- از منابع اهل سنت: مسند احمد، جلد ۳ صفحه ۱۵، مجمع الزوائد، جلد ۶ صفحه ۲۲۵،  
 نیل الأوطار، جلد ۷ صفحه ۳۵۰.

وجه قصد قصاص پیش از جنایت نداشتند بلکه می‌خواستند با این دستور، ابوبکر و عمر به ذات خود بیشتر آگاه شوند و مسلمانان نیز بدانند که اطاعت و فرمانبرداری خلفا چگونه و به چه اندازه بوده است.

### نمونه‌هایی از سرپیچی‌های عمر؛

سرپیچی و نافرمانی‌های عمر، در کتب معتبر ثبت و ضبط شده است و کسی یارای توجیه و یا انکار آن را ندارد. در ماجرای صلح حدیبیه پیامبر ﷺ به سپاهیان خود دستور دادند که سرشان را بتراشند و از احرام خارج شوند اما گروهی به سرکردگی عمر از دستور پیامبر ﷺ سرپیچی کردند و پس از گفتگوهای فراوان مجبور به اطاعت شدند<sup>(۱)</sup>.

در رابطه با یکی دیگر از نافرمانی‌های عمر آمده است هنگامی که پیامبر ﷺ بر جنازه عبدالله ابن اُبی - از منافقین با سابقه مدینه - نماز خواندند و طلب استغفار کردند عمر بسیار خشمگین شد و به پیامبر ﷺ اعتراض کرد و عباى ایشان ﷺ را به نشانه ناراحتی کشید<sup>(۲)</sup>. یکی دیگر از موارد اعتراض عمر بر پیامبر ﷺ مربوط به جنگ بدر می‌شود. در آن جنگ مسلمانان عده‌ای را به اسارت می‌گیرند. در آن زمان چون وضعیّت اقتصادی مسلمانان بسیار نابسامان بود پیامبر ﷺ دستور می‌دهند در قبال پرداخت فدیّه (جزای نقدی) اسرا آزاد

۱- از منابع اهل سنت: البداية والنهاية، جلد ۴ صفحه ۱۹۱.

۲- از منابع اهل سنت: الدر المنثور، جلد ۳ صفحه ۴۷۳ و أسد الغابة، جلد ۳ صفحه ۱۹۷.

شوند. عمر در این مورد نیز به رسول الله ﷺ اعتراض کرد و خواستار قتل اسرا شد.<sup>(۱)</sup>

### اقدام خلفا برای تصاحب قدرت؛

به طور خلاصه از زمان ظهور اسلام، در میان صحابه دو گروه عمده وجود داشتند؛ گروهی مطیع، منقاد و تسلیم محض اوامر و نواهی خدا و رسول الله ﷺ و گروه دیگر که در برابر خدا و رسول خدا ﷺ ایستادند و مخالفت کردند و برای رسیدن به قدرت و حکومت، بسیار حساب شده و مرموزانه حرکت خود را آغاز کردند. نخست نگذاشتند که رسول الله ﷺ در آستانه رحلت وصیت نامه خود را بنویسند<sup>(۲)</sup>. سپس بر خلاف نص صریح پیامبر ﷺ در سقیفه جمع شدند و خود را جانشین بر حق رسول الله ﷺ معرفی کردند<sup>(۳)</sup>. در هنگام مرگ ابو بکر، در وصیت نامه اش، نام عمر را بدون هماهنگی با ابوبکر اضافه کردند<sup>(۴)</sup>. عمر نیز در آستانه مرگ در وصیت نامه خود نام شش نفر را می نویسد<sup>(۵)</sup> و به گونه ای شرایط را تنظیم می کند، که حتماً عثمان یا یکی از هم پیمانان او به

۱- تاریخ پیامبر اسلام، جلد ۴ صفحه ۹۱۵ از منابع اهل سنت: صحیح مسلم، جلد ۵ صفحه ۱۵۷ و مسند احمد، جلد ۱ صفحه ۳۱.

۲- از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۱ صفحه ۳۷ و صحیح مسلم، جلد ۵ صفحه ۷۵.

۳- از منابع اهل سنت: المصنف أبي شيبة، جلد ۸ صفحه ۵۷۱، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد، جلد ۲ صفحه ۳۷ و الكامل في التاريخ، جلد ۲ صفحه ۳۲۵.

۴- از منابع اهل سنت: كنز العمال، جلد ۵ صفحه ۶۸۰ و تاریخ مدینه دمشق، جلد ۳۹ صفحه ۱۵۸.

۵- از منابع اهل سنت: الاستيعاب، جلد ۳ صفحه ۱۰۹۸۸ و الوافي بالوفيات، جلد ۲۱ صفحه ۱۷۸.

خلافت برسد و حق همچنان مکتوم بماند و به صاحبش نرسد.

### ناتوانی فکری و اقتصادی خلفا و راه حل آنان؛

با هر نیرنگ و فریبی که بود صحابه‌ای که در برابر قرآن و رسول خدا ﷺ ایستاده بودند و دائم تخلف و سرپیچی می‌کردند، حکومت را به دست گرفتند. اینان همانند دیگر صاحبان قدرت برای تحکیم و استواری پایه‌های حکومت خود نیاز به دو منبع و پشتوانه اساسی داشتند این دو منبع عبارتند از قدرت علمی و فرهنگی<sup>(۱)</sup> و قدرت مادی.

در زمان حیات مبارک رسول الله ﷺ به طور طبیعی قدرت فکری و مادی در اختیار ایشان ﷺ بود. اما پس از رحلت رسول الله ﷺ صحابه‌ای که حکومت را به نا حق از آن خود کردند و آن را غصب نمودند باید در دو محور اساسی - علمی و مادی - به گونه‌ای عمل می‌کردند که تمام افراد جامعه در تأمین نیازهای فرهنگی و اقتصادی خود به حاکمان و قدرت مسلط وابسته باشند و هیچ قدرت علمی و اقتصادی در مقابل قدرت آنان تاب ایستادگی نداشته باشد. اگر در آن زمان شخصی به عنوان محور علمی شناخته می‌شد و محور نقل روایات رسول الله ﷺ معرفی می‌گردید پایه‌های حکومت آنان متزلزل می‌شد؛ زیرا

۱- حکومت‌های ایدئولوژیک و یا مبتنی بر دین بیشتر به قدرت علمی و فکری نیاز دارند. جوانان و نسل معاصری که امروزه تماشاگر تفکرات مختلف و فرهنگ‌های سیاسی متفاوتی هستند باید توجه ویژه‌ای به بعد فکری و فرهنگی، حکومتها داشته باشند.



سقیفه نشینان، بهره علمی چندانی نداشتند و به تازگی به قدرت سیاسی دست یافته بودند در حالی که از نظر علمی و مالی هنوز ناتوان بودند.

در چنین شرایطی اگر امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان محور فکری و فرهنگی شناخته می‌شدند و از طرف دیگر، فدک نیز به عنوان پشتوانه اقتصادی در دست اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله باقی می‌ماند، پایه‌های حکومت و اقتدار علمی و مالی خلفای غاصب متزلزل تر می‌شد. لذا آنان از یک سو امیرالمؤمنین علیه السلام را خانه نشین کردند و از سوی دیگر فدک را از دست صاحبان واقعی آن ربودند. این که می‌گویند ابوبکر راضی به باز گرداندن فدک شد و نوشته‌ای را نیز به حضرت فاطمه علیها السلام داد، اما در بین راه عمر آگاه شد و آن نوشته را گرفت و پاره کرد، نقشه‌ای از پیش طراحی شده بود<sup>(۱)</sup>. آنان به هیچ وجه فدک را به حضرت فاطمه علیها السلام باز نمی‌گرداندند؛ زیرا باز پس دادن فدک برای آنان مساوی با از دست دادن حکومتی بود که از صدر اسلام برای تصاحب آن تلاش می‌کردند. عمر در رابطه با دیدن حضرت فاطمه علیها السلام در کوچه و مقاومت در برابر باز گرداندن نامه ابوبکر می‌گوید:

«فصفت صفة علی خدیها من ظاهر الخمار فانقطع قرطها و تناثر إلى

الأرض»<sup>(۲)</sup>.

ضربه شدیدی از روی چادر بر صورت حضرت زهرا علیها السلام زدیم به

۱- الغدير، جلد ۷ صفحه ۱۹۴، از منابع اهل سنت بنگرید به: السيرة الحلیة، جلد ۲ صفحه ۴۵۸.

۲- بحار الانوار، جلد ۳۰ صفحه ۲۹۴.

صورتی که گوشواره ایشان پاره شد و بر زمین فرو افتاد .  
عمر نه تنها در کوچه که بار دیگر در منزل نیز حضرت فاطمه علیها السلام را مورد  
ضرب قرار می‌دهد .

أخذت سوط قنفذ فضربت وقلت لخالد بن الوليد: أنت ورجالنا هلموا في  
جمع الحطب»<sup>(۱)</sup> .

تازیانه را از قنفذ گرفتم و [به حضرت زهرا علیها السلام] زدم و به خالد بن  
ولید گفتم: تو به همراه مردانمان، هیزم گرد آورید .

انشاء الله عشق و محبت حضرت فاطمه علیها السلام و خاندان او علیهم السلام تا آخرت در

دلهای ما و نسلهای ما باقی بماند .

« و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

## خودآزمایی؛

- ① بنابر نظر علمای شیعه، علت عمده منع نقل احادیث چه بود؟
- ② نظر علمای شیعه را نقد کنید.
- ③ ابو موسی اشعری و سید مرتضی علیه السلام در مورد عبدالله ابن مسعود چه نظری دارند؟
- ④ ابن مسعود در رابطه با تعداد جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چه نظری دارد؟
- ⑤ ابو بکر شرط عبور از پل صراط را چه می‌داند؟
- ⑥ هفت ویژگی مهم امیرالمؤمنین علیه السلام را نام ببرید، راوی این حدیث چه کسی می‌باشد؟
- ⑦ رفتار عمر با حضرت فاطمه علیها السلام چگونه بود؟ این رفتار بیانگر چه روحیاتی می‌باشد؟
- ⑧ دو گروه عمده صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دارای چه خصوصیاتی بودند؟
- ⑨ ابو بکر و عمر در کدام یک از دو دسته صحابه جای می‌گیرند؟
- ⑩ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد جنایت خالد ابن ولید با قبیله بنی جذیمه چه فرمودند؟
- ⑪ چند نمونه از سرپیچی‌های عمر از فرمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را ذکر کنید.
- ⑫ منبع از نقل احادیث را بارویکرد در اختیار داشتن مرجعیت علمی دستگاه خلافت چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در زمان حیات مبارک رسول الله ﷺ  
به طور طبیعی قدرت فکری و مادی در اختیار  
ایشان ﷺ بود. اما پس از رحلت رسول  
الله ﷺ صحابه ای که حکومت را به نا حق  
از آن خود کردند و آن را غصب نمودند باید در  
دو محور اساسی - علمی و مادی - به گونه ای  
عمل می کردند که تمام افراد جامعه در تأمین  
نیازهای فرهنگی و اقتصادی خود به حاکمان  
و قدرت مسلط وابسته باشند و هیچ قدرت  
علمی و اقتصادی در مقابل قدرت آنان تاب  
ایستادگی نداشته باشد.

(صفحه ۳۲ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :  
ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن  
همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

### محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله یشربی رحمته

تلفن : ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ نامبر : ۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک : [info@yasrebi.ir](mailto:info@yasrebi.ir)

[www.yasrebi.ir](http://www.yasrebi.ir)